

کتاب دانی ایل — نمبر اکاون

پلمونی: آشکار ساختن سرور زمان و زبان در دانیال و مکاشفہ

Jeff Pippenger

2024-01-15

آن «قدیسی معین کہ سخن گفت» در دانیال باب ہشت، آیات سیزده و چہارده، همان مسیح است بہ عنوان پالمونی. در کتاب مکاشفہ، مسیح بہ عنوان آلفا و امگا شناختہ می شود، کہ این امر، در کنار دیگر حقایق شگفت انگیز، مسیح را بہ عنوان زبان دان شگفت انگیز معرفی می کند؛ و کتاب های دانیال و مکاشفہ با ہم، مسیح را بہ عنوان سرور زمان و زبان بہ تصویر می کشند. فہم اہمیت و عمق این حقیقت کہ مسیح، در مقام پالمونی (شمارندہ اسرار)، این ویژگی از شخصیت خود را در آن دو آیہ ای معرفی می کند کہ ستون مرکزی ادونتیسیم را بنا می نهند، فراتر از توانایی انسان است؛ اما اسراری کہ شمارندہ اسرار برمی گزیند آشکار سازد، مسئولیت ماست کہ آن ها را بشناسیم و از آن ها دفاع کنیم.

چیزهای نہان از آن یہوہ، خدای ماست؛ اما آنچه مکشوف شدہ است، تا ابد از آن ما و فرزندان ماست، تا ہمہ سخنان این شریعت را بہ جا آوریم. تثنیہ 29:29.

ایک آشکار شدہ راز یہ ہے کہ اسرار کا شمار کرنے والا (پالمونی) وہی ہے، یعنی وہ "ایک مقدس جو بول رہا تھا"، اور اُن دو آیات میں جہاں وہ اپنے آپ کو ظاہر کرتا ہے، ایڈونٹ ازم کے مرکزی ستون کی نشان دہی کی گئی ہے۔ اُن دو آیات میں عجیب شمار کرنے والا اُس "علم کی افزونی" کی نشان دہی کرتا ہے جسے اُس نے، بطور یہوداہ کے قبیلہ کے شیر، 1798 میں مہر کھول کر ظاہر کیا۔ اُن دو آیات میں، ملر کے خواب کے جواہرات، جو "علم کی افزونی" کی نمائندگی کرتے ہیں، پالمونی کے ہاتھ کی ہدایت سے، حبقوق کی دو تختیوں پر شائع کیے گئے۔

سپس شنیدم کہ قدیسی سخن می گفت، و قدیسی دیگر یہ آن قدیسی کہ سخن می گفت، گفت: «این رؤیا دربارہ قربانی دائمی و عصیان ویرانگر، کہ ہم قدس و ہم لشکر را بہ پایمال شدن می سپارد، تا بہ کی خواہد بود؟» و او بہ من گفت: «تا دو ہزار و سیصد روز؛ آنگاہ قدس تطہیر خواہد شد.» دانیال ۸:۱۳، ۱۴

پس از آن کہ دانیال رؤیای نبوی پادشاہی های نبوت کتاب مقدس را دریافت کرد، و سپس گفت و گوی آسمانی آیات سیزده و چہارده را شنید، در پی آن برآمد کہ «رؤیا» را درک کند.

.Y aconteció que, cuando yo, Daniel, hube visto la visión y procuraba comprenderla, he aquí que se puso delante de mí uno con apariencia de hombre. Y oí una voz de hombre entre las riberas del Ulai, que llamó y dijo: Gabriel, haz que este hombre entienda la visión. Daniel 8:15, 16

«رؤیایی» کہ دانیال در پی فہمیدن آن است، رؤیای «chazon» است؛ اما رؤیای «mareh» همان است کہ بہ جبرئیل گفتہ می شود دانیال را از آن آگاہ سازد. ہر حقیقتی جایگاہ و تأثیر خود را دارد، و اگر این حقیقت نادیدہ گرفتہ شود، ساختار و طرح این بخش اساساً از میان می رود. در آیہ پانزدہ، ہنگامی کہ دانیال می کوشد رؤیای «chazon» را دریابد، «mareh» پنهان است، اما ہمچنان بازنمایی می شود، زیرا در عبارت «شمایل مردی» (جبرئیل)، واژہ عبری «mareh» بہ «شمایل» ترجمہ شدہ است. در آیہ پانزدہ، ہر دو واژہ ای کہ بہ «رؤیا» ترجمہ شدہ اند، حضور دارند. دانیال در آیہ پانزدہ در پی فہمیدن «chazon» است، اما پلمونی در آیہ شانزدہ بہ جبرئیل فرمان می دہد کہ دانیال را از «mareh» آگاہ سازد. ساختار این دو آیہ عمدی است و پیوند و تفاوت میان این دو واژہ را برجستہ می سازد.

این پالمونی است که به جبرئیل فرمان می‌دهد تا دانیال را به فهم «مرته» برساند، زیرا آن که به جبرئیل فرمان می‌دهد همان کسی است که بر روی آب ایستاده است، و جبرئیل صدای او را شنید، «صدای مردی از میان کرانه‌های اولای». این رود اولای است که در میان کرانه‌ها جاری است، و در کتاب مقدس این مسیح است که بر روی آب می‌ایستد. همراه با این حقیقت، این حقیقت نیز هست که مسیح، به عنوان رئیس فرشته، همان کسی است که به فرشتگان فرمان می‌دهد. آن صدا از میان کرانه‌ها، صدای «آن قدیس معین» در آیه سیزدهم است، و این کلام اوست که به جبرئیل فرمان می‌دهد تا دانیال را به فهم رؤیای «مرته» برساند. در باب دوازدهم دانیال، مسیح بار دیگر در میان کرانه‌های رود است. در باب دوازدهم او به کتان ملبس است و به او که تا ابد زنده است سوگند می‌خورد.

لیکن تو اے دانی ایل، ان باتوں کو بند رکھ اور کتاب پر مہر لگا دے، آخر زمانہ تک؛ بہت سے ادھر ادھر دوڑیں گے، اور علم بڑھ جائے گا۔ پھر میں دانی ایل نے نگاہ کی، اور دیکھو، دو اور کھڑے تھے، ایک دریا کے کنارے کی اس طرف، اور دوسرا دریا کے کنارے کی اس طرف۔ اور ایک نے اس مرد سے جو کتان پہنے ہوئے تھا اور دریا کے پانیوں کے اوپر تھا، کہا: ان عجیب باتوں کے انجام تک کتنی مدت ہوگی؟ اور میں نے اس مرد کو جو کتان پہنے ہوئے تھا اور دریا کے پانیوں کے اوپر تھا، سنا، جب اس نے اپنا دہنا ہاتھ اور اپنا بایاں ہاتھ آسمان کی طرف اٹھایا، اور اس کی قسم کھائی جو ابدالآباد زندہ ہے کہ یہ ایک زمانہ، دو زمانے، اور آدھا زمانہ کے لیے ہوگا؛ اور جب وہ مقدس لوگوں کی قوت کو پراگندہ کرنا پورا کر چکے گا، تو یہ سب باتیں پوری ہو جائیں گی۔ دانی ایل 12:4-7۔

آن مردی کہ «جامہ کتان بر تن داشت و بر فراز آب‌های نهر بود»، «دست راست و دست چپ خود را به سوی آسمان برافراشت و به او که تا ابد زنده است سوگند یاد کرد»، همان مردی است که در باب هشتم به جبرئیل فرمان داد. در باب دهم مکاشفہ نیز مسیح دست خود را برافراشت و به او که تا ابد زنده است سوگند یاد کرد، اما در آنجا بر هر دو، یعنی آب و زمین، ایستاده است.

اور اُس فرشتے نے، جیسے میں نے سمندر اور زمین پر کھڑا دیکھا تھا، اپنا ہاتھ آسمان کی طرف اٹھایا، اور اُس کی قسم کھائی جو ابدالآباد زندہ رہتا ہے، جس نے آسمان اور اُن سب چیزوں کو جو اُس میں ہیں، اور زمین اور اُن سب چیزوں کو جو اُس میں ہیں، اور سمندر اور اُن سب چیزوں کو جو اُس میں ہیں، پیدا کیا، کہ پھر مہلت نہ ہوگی۔ مکاشفہ 10:5، 6۔

فرشتہ نیرومند باب دهم مکاشفہ، همان پلمونی است که در باب هشتم از میان دو کرانه رودخانه جبرائیل سخن گفت، و در باب دوازدهم تعیین کرد که «پایان» «این عجایب» چه زمانی واقع خواهد شد. در باب دهم مکاشفہ، او همان کسی است که چون «شیری» غرید، زیرا در آنجا به عنوان شیر سبط یهودا به تصویر کشیده شده است.

و یکی از مشایخ به من گفت: «گریان مباش؛ اینک آن شیر سبط یهودا، ریشہ داود، غالب آمدہ است تا کتاب را بگشاید و ہفت مہر آن را باز کند.» و نگریستم، و اینک در میان تخت و چہار حیوان و در میان مشایخ، برہای ایستادہ بود، ہمچون ذبح شدہ، کہ ہفت شاخ و ہفت چشم داشت، کہ همان ہفت روح خدایند کہ بہ تمامی زمین فرستادہ شدہ اند. و آمد و کتاب را از دست راست آن تخت نشین گرفت. مکاشفہ 5:5-7۔

چون شیر سبط یهوداست، مسیح همان برہای است کہ غالب آمد تا طوماری را کہ بہ ہفت مہر مہر شدہ بود، بگشاید. خواہ در کتاب دانیال بر آب‌ها گام برمی‌دارد، و خواہ در مکاشفہ یک پا بر دریا و پای دیگر بر زمین دارد، ہر یک از این نمودہای نبوی با زمان نبوی مرتبط اند. و چون شیر سبط یهوداست، مسیح ہم کلام خویش را مہر می‌کند و ہم از مہر می‌گشاید. همان گونه کہ کتاب دانیال را مہر کرد، ہفت رعد را نیز در باب دهم مکاشفہ مہر کرد.

«فرشته نیرومندی که یوحنا را تعلیم داد، کسی جز عیسی مسیح نبود. اینکه پای راست خود را بر دریا و پای چپ خویش را بر خشکی نهاد، نشان می‌دهد که او در صحنه‌های پایانی نبرد عظیم با شیطان چه نقشی را ایفا می‌کند. این وضعیت، دلالت بر قدرت و اقتدار برتر او بر تمامی زمین دارد. این کشمکش از عصری به عصر دیگر نیرومندتر و قاطع‌تر شده است و تا صحنه‌های نهایی نیز همچنان ادامه خواهد یافت، آنگاه که عملکرد استادانه قوای تاریکی به اوج خود برسد. شیطان، متحد با انسان‌های شریر، تمام جهان و کلیساهایی را که محبت حقیقت را نمی‌پذیرند، فریب خواهد داد. اما آن فرشته نیرومند توجه را مطالبه می‌کند. او با صدایی بلند فریاد می‌زند. او باید قدرت و اقتدار صدای خویش را به آنان که با شیطان متحد شده‌اند تا با حقیقت مخالفت ورزند، نشان دهد.»

«پس از آن که این هفت رعد آوازه‌های خود را برآوردند، همان‌گونه که درباره کتاب کوچک به دانیال فرمان داده شد، به یوحنا نیز این دستور داده می‌شود: "آنچه را که هفت رعد گفتند، مهر کن." اینها به وقایع آینده مربوط می‌شوند که به ترتیب خود آشکار خواهند شد. دانیال در پایان ایام در نصیب خود خواهد ایستاد. یوحنا کتاب کوچک را گشوده می‌بیند. آنگاه نبوت‌های دانیال جایگاه شایسته خود را در پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم که باید به جهان داده شوند، می‌یابند. گشوده شدن کتاب کوچک، همان پیام مربوط به زمان بود.»

"کتاب‌های دانیال و مکاشفه یک هستند. یکی نبوت است و دیگری مکاشفه؛ یکی کتابی مهر شده است و دیگری کتابی گشوده. یوحنا اسراری را که رعد‌ها بیان کردند شنید، اما به او فرمان داده شد که آنها را ننویسد."

"روشنایی خاصی که به یوحنا عطا شد و در هفت رعد بیان گردید، ترسیمی از رویدادهایی بود که تحت پیام‌های فرشته اول و دوم به وقوع می‌پیوست." تفسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، ۹۷۱.

مسیح، که در فصل‌های هشت و دوازده به صورت «پلمونی»، آن مردی که بر آب‌هاست، تصویر شده است، همچنین همان فرشته نیرومندی است که کتابچه کوچک را در دست دارد. او شیر سبط یهوداست که کلام خود را مهر می‌زند و مهر آن را می‌گشاید، و او همان کسی است که به جبرائیل فرمان می‌دهد، زیرا او میکائیل رئیس فرشتگان است.

با وجود این، میکائیل رئیس فرشتگان، هنگامی که با ابلیس درباره جسد موسی مجادله می‌کرد، جرأت نکرد بر ضد او اتهامی توهین‌آمیز بیاورد، بلکه گفت: خداوند تو را توبیخ فرماید. یهودا ۱:۹.

میکائیل نام مسیح است، و آن نام دلالت بر این دارد که او نه تنها فرمانده فرشتگان است، بلکه همان کسی است که قدرت رستاخیز بخشیدن را نیز دارد. نام میکائیل به معنای «چه کسی مانند خداست» می‌باشد. هنگامی که نبوکدنصر در کوره، با آن سه یار، کسی را دید که مانند پسر خدا بود، او میکائیل را دید. و نیز میکائیل فرشته اعظم، همان رئیس قوم خداست که شاخ کوچک روم بت‌پرست در صلیب، در تحقق دانیال باب هشت، آیه یازده، خویشتن را بر ضد او بزرگ ساخت.

اما آنچه را که در کتاب حقیقت مکتوب است، به تو نشان خواهم داد؛ و در این امور هیچ‌کس با من استوار نمی‌ایستد، جز میکائیل، امیر شما. دانیال ۱۰:۲۱.

این میکائیل است که به فرشتگان فرمان می‌دهد، مردگان را قیامت می‌بخشد، و تعیین می‌کند که زمان پایان مهلت فیض چه هنگام فرا می‌رسد.

«و در آن زمان میکائیل، آن رئیس عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده است، برخاسته خواهد شد؛ و زمان تنگی‌ای خواهد بود که از هنگامی که قومی پدید آمد تا آن زمان، مانند آن هرگز نبوده

است؛ و در آن زمان، قوم تو، یعنی هر که در کتاب مکتوب یافت شود، رهایی خواهد یافت. هنگامی که این زمان تنگی فرا رسد، هر پرونده‌ای فیصله یافته است؛ دیگر نه مهلت توبه‌ای باقی است و نه رحمتی برای توبه‌ناپذیران. مهر خدای زنده بر قوم او نهاده شده است. این باقی‌مانده اندک، که در کشاکش مرگبار با قدرت‌های زمین که به وسیله لشکر اژدها بسیج شده‌اند، از دفاع از خود ناتوان‌اند، خدا را مدافع خویش می‌سازند. فرمان از سوی عالی‌ترین مرجع زمینی صادر شده است که آنان باید وحش را پرستش کنند و نشان او را بپذیرند، وگرنه آزار و مرگ در انتظارشان خواهد بود. خدا قوم خود را اکنون یاری فرماید، زیرا آنان در آن هنگام، در چنین نبرد هولناکی، بدون یاری او چه خواهند توانست کرد!» شهادت‌ها، جلد ۵، ۲۱۲.

آخری راز جسے یہوداہ کے قبیلے کا شیر کھولتا ہے، یسوع مسیح کا مکاشفہ ہے، اور اس میں یہ بھی شامل ہے کہ وہ اپنے نبوی کلام کے ہر جز کے نقشے اور ساخت پر کامل اختیار رکھتا ہے۔ وہ کتان ملبوس انسان جو پانیوں کے اوپر کھڑا ہے، جو اپنا ہاتھ اٹھاتا ہے اور اس کی قسم کھاتا ہے جو ابدالآباد زندہ ہے، اور جو شیر کی مانند پکارتا ہے، جس کے سبب سات گرجیں اپنی آوازیں بلند کرتی ہیں، وہی ہے جو دانی ایل کی کتاب پر مہر کرتا ہے اور مکاشفہ کی سات گرجوں پر بھی مہر کرتا ہے۔ وہی ہے جو اس کتاب کو کھولتا ہے جس پر سات مہریں لگی ہوئی ہیں، جسے مردوں کو زندہ کرنے کا اختیار حاصل ہے، اور جو وہ عظیم رئیس ہے جو کھڑا ہوتا ہے اور مهلت آزمائش کے اختتام کا اعلان کرتا ہے۔ جب پالمونی نے جبرائیل کو حکم دیا کہ دانی ایل کو "mareh" رویا سمجھائے، تو اس سے اُس کی مراد بعینہ یہی تھی۔

او جبرائیل را فرمان نداد تا دانیال را از رؤیای «حازون» آگاہ سازد. رؤیای «حازون» همان رؤیای پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس در دانیال باب ہشت، آیات یک تا دوازده است، و نیز همان «رؤیا»یی است کہ در آیه سیزده، در ضمن پرسشی درباره مدت زمان، به آن اشارہ شدہ است: «این رؤیا تا بہ کی خواهد بود؟» رؤیای «حازون» مربوط است بہ قربانی دائمی (بت‌پرستی) و آن عصیان ویرانگر (پاپ‌سالاری) کہ مقدس و لشکر را پایمال می‌سازند.

سپس شنیدم کہ قدوسی سخن می‌گفت، و قدوسی دیگر بہ آن قدوسی کہ سخن می‌گفت، گفت: «این رؤیا درباره قربانی دائمی و عصیان ویرانگر تا بہ کی خواهد بود، تا ہم مقدس و ہم لشکر بہ پایمال شدن سپردہ شوند؟» دانیال 8:13.

مسیح، بہ عنوان «پالمونی» (شمارندہ شگفت‌انگیز)، مورد این پرسش قرار می‌گیرد کہ این رؤیای «chazon» تا «چہ مدت» خواهد بود، و او پاسخ می‌دہد: «تا دو ہزار و سیصد روز؛ آگاہ مقدس پاک خواہد شد.» سپس دانیال مشتاق می‌شود کہ رؤیای «chazon» را، کہ درباره «قربانی دائمی و نافرمانی ویرانگر است، تا ہم مقدس و ہم لشکر بہ پایمال شدن سپردہ شوند»، درک کند. اما بہ جبرئیل فرمان دادہ می‌شود کہ دانیال را از رؤیای «mareh» آگاہ سازد. ہر حقیقتی در کلام خدا جایگاہ و دلالت خود را دارد. رؤیای «mareh»، همان رؤیای شامگاہ‌ها و بامدادہاست کہ در آیه بیست‌وشش مشخص شدہ است.

اور شام اور صبح کی وہ رؤیا جو بیان کی گئی ہے، سچی ہے؛ پس تو اس رؤیا کو بند رکھ، کیونکہ وہ بہت دنوں کے لیے ہے۔ دانی ایل 8:26.

لفظ «رؤیا» در این آیه دو بار ذکر شدہ است. اشارہ نخست، رؤیای «مرہ» است و اشارہ دوم، رؤیای «حازون». رؤیای «مرہ»، رؤیای «شامگاہان و بامدادان» است. تعبیر عبری «شامگاہان و بامدادان» بارہا در کتاب مقدس یافت می‌شود و ہموارہ بہ «شامگاہان و بامدادان» ترجمہ شدہ است، چنان کہ در آیه بیست‌وششم نیز چنین است. تنہا جایی در کتاب مقدس کہ این تعبیر بہ گونه‌ای متفاوت از «شامگاہان و بامدادان» ترجمہ شدہ، آیه چہاردہم است کہ در آن صرفاً «ایام» ترجمہ شدہ است. متن واقعی عبری آیه چہاردہم چنین خواہد بود: «تا دو ہزار و سیصد شامگاہان و بامدادان.»

آیه‌ای که ستون مرکزی ادونتیسیم است، تنها آیه‌ای در کلام خداست که در آن «شام‌ها و بامدادها» صرفاً به صورت «روزها» بیان شده است. هر حقیقتی دلالت خاص خود را دارد، و اگر هیچ چیز دیگر هم نباشد، آشکار است که پلمونی عمداً بر این آیه تأکید می‌ورزید. او این کار را بدین گونه انجام داد که ذهن کسانی را که کتاب مقدس نسخه کینگ جیمز را ترجمه کردند هدایت نمود تا این عبارت را به گونه‌ای متفاوت از آنچه همواره در کلام او نوشته شده است بنگارند. نکته‌ای که باید از این حقیقت حاصل شود این است که هنگامی که به جبرئیل گفته می‌شود که دانیال را از رؤیای «mareh» آگاه سازد، به او گفته می‌شود که دانیال را از رؤیای ظهور 1844 آگاه سازد، نه از رؤیای «chazon» درباره پایمال شدن مقدس و لشکر.

رؤیای «شامگاه‌ها و بامدادها» درباره ظهوری است که همزمان با آغاز تطهیر قدس در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ رخ می‌دهد. رؤیای ظهور ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نه درباره پایمال شدن قدس، بلکه درباره تطهیر قدس است. آیا در آن تاریخ ظهوری نبوی وجود داشت؟

«آمدن مسیح به عنوان کاهن اعظم ما به قدس‌الاقداص، برای تطهیر قدس، که در دانیال ۸:۱۴ به نمایش گذاشته شده است؛ آمدن پسر انسان نزد قدیم‌الایام، چنان که در دانیال ۷:۱۳ ارائه شده است؛ و آمدن خداوند به هیکل خود، که ملاکی آن را پیشگویی کرده است، همگی توصیف‌های یک رویداد واحد هستند؛ و این همچنین به وسیله آمدن داماد به عروسی، که مسیح در مثل ده باکره در متی ۲۵ توصیف کرده است، بازنمایی شده است.» نبرد عظیم، ۴۲۶.

جبریل مأمور شد تا دانیال را نسبت به ظهور نبوی مسیح در معبد خویش در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آگاه سازد. از این رو، جبریل برای دانیال شاهی دوم بر تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ فراهم آورد، زیرا جبریل هر نویسنده کتاب مقدسی را که گونه‌ای از اصل کتاب مقدسی معرف این حقیقت را ثبت کرده است، هدایت نمود که حقیقت بر گواهی دو شاهد استوار می‌گردد. اگر جبریل می‌بایست دانیال را به ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ واقف سازد، لازم بود برای تثبیت «رؤیای ظهور» شاهی دوم وجود داشته باشد.

جبریل این کام کا آغاز پهل دانی ایل کی اُس خواہش پر توجہ دینے سے کرتا ہے کہ وہ "chazon" رؤیا کو سمجھے، اور وہ ایسا اس امر کی نشان دہی کرتے ہوئے کرتا ہے کہ "chazon" رؤیا وہ رؤیا ہے جو 1798 میں "of the end" پر اختتام پذیر ہوتی ہے۔

و من صدای انسانی را از میان کرانه‌های اولای شنیدم که ندا کرده، گفت: «ای جبرائیل، این مرد را از رؤیا آگاه ساز.» پس او به جایی که من ایستاده بودم نزدیک آمد؛ و چون آمد، ترسان شدم و بر روی خود افتادم. اما او به من گفت: «ای پسر انسان، بفهم؛ زیرا این رؤیا برای زمان آخر است.» دانیال ۸:۱۶، ۱۷

«رؤیا» در آیه پیشین، یعنی «در وقت آخر»، همان رؤیای «حازون» است، و «وقت آخر» در کتاب دانیال سال ۱۷۹۸ است. این همان «رؤیایی» است که دانیال در پی فهم آن بود، اما آن «رؤیایی» نبود که به جبرئیل گفته شده بود دانیال را به فهم آن برساند. زیرا جبرئیل برای آن، شاهی دوم ارائه خواهد کرد.

پس او به جایی که من ایستاده بودم نزدیک آمد؛ و چون آمد، ترسان شدم و بر روی خود افتادم؛ اما به من گفت: «ای پسر انسان، بفهم؛ زیرا رؤیا مربوط به زمان آخر است.» و هنگامی که او با من سخن می‌گفت، من با روی بر زمین در خوابی عمیق فرو رفته بودم؛ اما او مرا لمس کرد و مرا بر پای راست برپا داشت. و گفت: «اینک تو را آگاه می‌سازم که در پایان آخر غضب چه واقع خواهد شد؛ زیرا پایان در زمان معین خواهد بود.» دانیال 8:17-19.

جبرئیل با آگاه ساختن دانیال چنین مأموریت خود را به عهده می‌گیرد: «بنگر»، که دانیال را فرا می‌خواند تا به واقعیت بعدی توجه کند. واقعیت بعدی این است که «غضب آخر»، از دو دوره «هفت زمان» در

لاویان بیست و شش، در سال ۱۸۴۴ پایان می‌یابد. «غضب آخر» به طور مستقیم به عنوان یک نبوت زمانی شناخته می‌شود، زیرا برای آن «زمان معین» وجود دارد که در آن «به پایان» می‌رسد. «غضب» باید نمایانگر یک دوره زمانی باشد، زیرا برای پایان آن «زمان معین» مقرر شده است. اگر «غضب» صرفاً یک نقطه در زمان بود، پایانی نمی‌داشت؛ بلکه فقط همان نقطه‌ای می‌بود که در آن واقع شده است.

«قهر» دارای نقطه پایانی معینی بود؛ از این رو نمایانگر پایان یک دوره زمانی است. این دوره زمانی به صورت «قهر آخر» نشان داده شده است. اگر آخری در کار باشد، پس باید اولی نیز وجود داشته باشد. «قهر اول» در باب یازدهم دانیال مشخص شده است، و در آنجا نیز یک دوره زمانی است؛ زیرا پاپیت قرار بود تا پایان «قهر» عمل کند و کامیاب شود.

اور اهل فهم میں سے بعض گرائے جائیں گے، تاکہ انہیں آزمایا جائے، اور پاک کیا جائے، اور سفید کیا جائے، انتہا کے وقت تک؛ کیونکہ یہ ابھی ایک مقررہ وقت کے لیے ہے۔ اور وہ بادشاہ اپنی مرضی کے مطابق عمل کرے گا؛ اور وہ اپنے آپ کو سربلند کرے گا، اور اپنے آپ کو ہر معبود سے بڑھا کر بڑا ٹھہرائے گا، اور معبودوں کے خدا کے خلاف عجیب باتیں کہے گا، اور اُس وقت تک کامیاب رہے گا جب تک غضب پورا نہ ہو جائے؛ کیونکہ جو کچھ مقرر کیا گیا ہے، وہی انجام پائے گا۔ دانی ایل 11:35، 36.

در این دو آیه، پادشاهی که مطابق اراده خود عمل می‌کند و خویشتن را بزرگ می‌سازد، موضوع سخن است. آیه سی و شش همان آیه‌ای است که پولس آن را به گونه‌ای بازگفته است، آنگاه که «مرد گناه» را معرفی می‌کند که در هیکل خدا نشسته و خود را خدا می‌نماید. آزار و جفای اعصار تاریک از سال ۵۳۸ تا ۱۷۹۸ در آیه سی و پنج مشخص شده است، و این تا «زمان آخر» که ۱۷۹۸ بود، ادامه می‌یابد؛ همان که «وقت معین» بود. سپس آیه سی و شش نشان می‌دهد که پاپیت تا هنگامی که «غضب» به انجام رسد، «کامیاب خواهد شد». این آیه نشان می‌دهد که پاپیت تا ۱۷۹۸ کامیاب شد؛ در آن هنگام، نخستین «غضب» «به انجام رسیده بود». کلام نبوی خدا «مقرر کرده بود» که پاپیت برای هزار و دویست و شصت سال، تا ۱۷۹۸ که «زمان آخر» بود، ادامه یابد.

اولین «غضب» در سال ۱۷۹۸ پایان یافت، و «غضب آخر» در سال ۱۸۴۴ به پایان رسید. هر دو غضب به صورت دوره‌های زمانی بازنمایی شده‌اند که پایان‌های مشخصی داشته‌اند؛ از این رو هر دو را به عنوان نبوت‌های زمانی مشخص می‌سازند. جبرئیل از سوی پالمونی مأمور شد تا دانیال را از رؤیای ظهور («mareh»)، یعنی «شامگاه و بامدادها» (روزها) که ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را معین می‌کرد، آگاه سازد، و او این کار را با ارائه شاهی دوم برای آن تاریخ به انجام رساند.

رؤیای «chazon» در آیه سیزدهم، که دانیال آرزومند فهم آن بود، رؤیای پایمال‌شدنی بود که در «زمان آخر» در سال ۱۷۹۸ پایان یافت. رؤیای «mareh» در آیه چهاردهم، با ظهور مسیح در مکان اقدس در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید، در تحقق نبوت زمانی دو هزار و سیصد سال، و نیز در تحقق نبوت زمانی دو هزار و پانصد و بیست سال. هر دوی این نبوت‌های زمانی بر الواح مقدس حبقوق نمایان شده‌اند؛ همان الواحی که خواهر وایت تصریح می‌کند به هدایت دست خداوند ترسیم شده بودند و نباید دگرگون شوند.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«ما را درس‌های بسیاری است که باید بیاموزیم، و بسیاری، بسی بسیار، که باید از نو و آتیم. تنها خدا و آسمان معصومانند. آنان که می‌پندارند هرگز ناگزیر نخواهند شد از دیدگاهی عزیز دل بکنند، و هرگز موقعیتی برای تغییر عقیده نخواهند یافت، نومید خواهند شد. تا هنگامی که با اصراری استوار به اندیشه‌ها و آراء خود چنگ می‌زنیم، نمی‌توانیم آن یگانگی را داشته باشیم که مسیح برای آن دعا کرد.» Review and Herald، 26 ژوئیه 1892.

